

بررسی اثرات بلند مدت تجارت بین الملل بر متغیرهای کامیابی اقتصادی در ایران

علی رضایی^۲

نغمه هنرور^{*۲}

فاطمه ثابت^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۳۰، تاریخ بازنگری: ۱۳۹۶/۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

رشد اقتصادی و کنترل تورم از جمله هدف‌هایی است که هر اقتصادی دنبال می‌کند. در جهان امروز قدرت تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی در معاملات جهانی از کشورهایی است که در اقتصاد حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. چنانچه هدف سیاست‌گذاران، توسعه و تشویق تجارت باشد، برای نیل به این هدف باید با تقویت بنیان‌های تولید کشور، رشد اقتصادی را برای حضور در عرصه بین‌المللی تسریع و تورم را کنترل کرد. مطالعه حاضر به بررسی اثرات بلند مدت تجارت بین الملل بر متغیرهای کامیابی اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۰ با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) می‌پردازد. نتایج آزمون همجمعی یوهانسون نشان داد که رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیرها موجود می‌باشد. نتایج تحلیل واکنش ضربه مشخص کرد که شوک مثبت صادرات در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت اثر مثبت معنادار بر رشد اقتصادی و تورم دارد. شوک مثبت واردات در کوتاه مدت اثر مثبت معنادار و در میان مدت و بلند مدت اثر منفی معنادار بر رشد اقتصادی دارد و این شوک در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تاثیر منفی معنادار بر تورم دارد.

طبقه بندی JEL: A10, C33

کلمات کلیدی: صادرات واردات، رشد اقتصادی، تورم، الگوی تصحیح خطای برداری (VECM).

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده

Email: efarda.bs@gmail.com

۲ - مدرس و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده، دانشجوی دکترای تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

Email: naghmeh_honarvar@yahoo.com

۳ - مدیر گروه و استادیار رشته مدیریت بازرگانی بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده

Email: Ali.rezaei@iauabad.ac.ir

۱- مقدمه

کامیابی یک شرط کیفی است که در مقابل فقر مطرح می‌شود. موفقیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم کامیابی، وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی است. کامیابی اقتصادی کشورها به توانایی آنها در جذب یا ایجاد فعالیت‌های اقتصادی مربوط می‌شود یعنی آن کشور از طریق عملکرد خوب در بازار قادر به افزایش درآمد خود باشد. اندازه‌گیری و سنجش کامیابی اقتصادی کاری پیچیده و دشوار است. طبق نظر اکثر اقتصاددانان دو متغیر رشد اقتصادی و تورم به عنوان متغیرهای کامیابی اقتصادی تعریف می‌شوند. شاید بتوان گفت مهمترین بحث اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه در کشورهای در حال توسعه مسأله رشد اقتصادی و کنترل تورم بوده است. از این رو نظریه‌های بسیاری در باب این مسأله در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. رشد اقتصادی از اهداف مهم هر کشور به حساب می‌آید و همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار دارد. از جمله عواملی که تأثیر به‌سزایی در رشد اقتصادی اکثر کشورهای در حال توسعه داشته، اتکا به تجارت خارجی بوده است و به علت وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای تجارتي مورد نیاز جهت پی‌ریزی بین‌المللی، تجارت خارجی نقش اساسی و انکارناپذیری در رشد اقتصادی این کشورها دارد. اهمیت تجارت در اقتصاد تا حدی است که آدام اسمیت نخستین بار در تحقیقاتش در حوزه تجارت جهانی به عنوان موتور محرکه‌ای که موجب ارتقای بهره‌وری می‌شود، بحث درباره‌ی رشد اقتصادی را مطرح کرده است. وی عنوان کرد که این امر در نتیجه‌ی گسترش بازار و استفاده از صرفه‌جویی‌های حاصل از مقیاس رخ می‌دهد. اگر خواست ما تداوم رشد اقتصادی کشور است و همواره به دنبال رفاه مطلوب و پایداری اشتغال کامل و ثبات قیمت هستیم، به‌طور قطع راهی به‌جز توسعه‌ی تجارت نداریم. رابطه‌ی بین رشد اقتصاد، تورم و تجارت و صادرات به‌طور وسیعی در ادبیات رشد و توسعه مورد بررسی قرار گرفته است (وارث و همکاران، ۱۳۹۱).

بنابر این هدف اصلی این مطالعه بررسی اثرات بلند مدت تجارت بین الملل بر کامیابی اقتصادی ایران در قالب الگوی تصحیح خطای برداری می‌باشد. از این رو در این مطالعه ابتدا مبانی نظری و پیشینه مطالعات ارائه می‌شود سپس تصریح الگو و نتایج تجربی آورده خواهد شد و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مبانی نظری

اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی و کنترل تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در طی مطالعات تجربی به اثبات رسیده است و عنوان می‌شود که کشورهایی که جهت‌گیری صادراتی و تجارتي اتخاذ کرده‌اند از تخصیص بهینه منابع و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر و تورم کمتری بهره‌مند شده‌اند. نظریه‌ی جدید رشد، دیدگاه مهمی را در ارتباط با درک رابطه‌ی بین تجارت و رشد مطرح می‌کند، مبنی بر اینکه رشد به وسیله‌ی فعالیت‌های تحقیق و توسعه دنبال می‌شود. تجارت امکان دسترسی یک کشور به دانش تکنولوژی شرکای تجاری‌اش را فراهم می‌کند. به علاوه، اجازه می‌دهد تولیدکنندگان به بازارهای بزرگتر دسترسی یابند و همچنین توسعه‌ی فعالیت‌های تحقیق و توسعه را از طریق افزایش نوآوری‌ها تشویق می‌کند. تجارت به ویژه باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که برای جریان توسعه‌ی حیاتی و اساسی هستند دسترسی پیدا کنند. پس تجارت به وسیله‌ی فراهم کردن دسترسی به ستاده‌ها و نهاده‌های جدید نقش مهمی را در اقتصاد بازی می‌کند. ادبیات نظریه‌ی رشد توجه بیشتری به رابطه‌ی بین سیاست و رشد نسبت به رابطه‌ی بین حجم تجارت و رشد دارد بنابراین این نتیجه‌ی رابطه‌ی بین محدودیت‌های تجاری و رشد به طور مستقیم نمی‌تواند به اثرات تغییر در حجم تجارت روی رشد پاسخ دهد حتی اگر این دو مفهوم حجم تجارت و محدودیت‌های تجاری رابطه‌ی نزدیکی با هم داشته باشند. احتمالاً رابطه‌ی آن‌ها با رشد بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است، این تفاوت به دلیل این است که بخش خارجی یک کشور از چندین عامل خیلی مهم دیگر مانند عوامل جغرافیایی، اندازه‌ی یک کشور و درآمد آن کشور متاثر است (گرچی و علیپوریان، ۱۳۸۵).

تورم یکی از مهمترین مشکلات مطرح در اقتصاد است که آثار زیان بار بسیاری به همراه دارد. از جمله این آثار زیان بار میتوان به عدم تخصیص بهینه منابع، کند شدن روند رشد اقتصاد و ایجاد نااطمینانی از آینده را نام برد. این مشکلات آنقدر مهم هستند که کمتر پژوهش اقتصادی را می‌توان نام برد که تورم را نادیده بگیرد. بسیاری از اندیشمندان این حوزه در پی راهکارهایی برای کاهش تورم بوده‌اند و از این بین تعدادی، تورم را ناشی از نواقص عمده نظام پولی سرمایه داری می‌دانند. امروزه بررسی رابطه بین تورم و صادرات و واردات به یکی از بحث برانگیزترین حوزه‌های اقتصاد در جهان تبدیل شده است. آزاد سازی تجارت یکی از مهم ترین ابزارهای فرآیند جهانی شدن اقتصاد است. بر

اساس نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد موجب ارتقای سطح تولید و صادرات کالاها شده و نظام اقتصادی را بر مبنای مزیت‌های رقابتی شکل می‌دهد. بسیاری از محققین بر این عقیده‌اند که تجارت آزاد مزایای عمده‌ای را از قبیل بهبود فضای رقابت، ارتقای کیفیت کالاها و خدمات، تسریع دستیابی به رشد اقتصادی و به کارگیری نیروی کار متخصص در پی دارد. از سوی دیگر نیز تورم به دلیل ایجاد ناامنی‌های گسترده در اقتصاد همواره مورد توجه سیاست‌گذاران نظام‌های اقتصادی بوده است. بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها نه تنها به دلیل تاثیرات آن در ناپایداری‌های اقتصادی بلکه اغلب به جهت فشار آن روی اقشار کم درآمد مورد بحث و تبادل نظر بوده است (آرو، ۱۹۶۲).^۱

اقتصاد بین‌الملل به روابط اقتصادی و تجارت بین ملل گوناگون وابسته است و وابستگی متقابل حاصل از این روابط از لحاظ رفاه اقتصادی کشورها حائز اهمیت است. با به وقوع پیوستن انقلاب صنعتی در اروپا، تحولات اقتصادی قابل توجهی رخ داد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها افزایش تولید انواع محصولات است. افزایش تولید کالاها و محصولات تا حدی پیش رفت که نیاز داخلی کشورها برطرف شد و مازاد تولیدات به وجود آمد. کشورها فروش مازاد تولید محصولات خود در بازار بین‌المللی آغاز کردند که تداوم این افزایش تولید باعث شد کشورهای فروشنده بر سر فروش مازاد تولیدات خود در بازارهای جهانی با یکدیگر به رقابت پردازند. و این موجب شد که تجارت بین الملل از اهمیت بالاتری برخوردار شود و اقتصاددانان با جدیت و توجه بیشتری به آن پرداختند (تفضلی، ۱۳۷۸).

نظریات متنوعی در رابطه با تجارت بین الملل وجود دارد از جمله نظریه مرکانتلیسم^۲ که اساس تفکرات اقتصادی قرن ۱۶ به بعد را تشکیل داد. مرکانتالیست‌ها اعتقاد داشتند که مهم‌ترین راه برای آن که کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که تجارت بین المللش بیش از وارداتش باشد و مازاد تجاری به صورت طلا یا دیگر فلزات گران‌بها ذخیره شود (محمدنیا، ۱۳۸۴).

آدام اسمیت^۳ در سال ۱۷۷۶ در اثر معروف خود به نام "ثروت ملل" اعتقاد داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز می‌شوند که آن کالا در قیاس با کالای سایر کشورها ارزان‌تر و آسان‌تر تولید شود، در این حالت است که هر دو کشور از

-
- 1- Arrow
 - 2- Mercantilism
 - 3- Adam Smith

تجارت سود نصیبشان می‌شود. استدلال آدام اسمیت بر پایه مزیت مطلق^۱ استوار بود، بدین معنا که هر کشور از طریق تجارت آزاد می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن کالاها دارای مزیت مطلق است (گرجی، ۱۳۸۵).

۴۰ سال بعد ریکاردو^۲ نظریهٔ مزیت نسبی^۳ را بیان کرد که قسمت مهمی از تجارت جهانی را شامل می‌شود. بر طبق نظریه ریکاردو اگر کشوری در تولید هر کالا مزیت نسبی داشته باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود به این دلیل که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد، که هزینهٔ نسبی تولید آن در داخل کشور پایین تر باشد و کالایی را وارد می‌کند که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد (روزبهان، ۱۳۸۵).

در دوره نئوکلاسیک‌ها، گرایش به سمت رشد اقتصادی و تورم با مطالعات سولو^۴ (۱۹۵۷ و ۱۹۵۶) تجدید حیات یافت. بنابراین می‌توان گفت که در طول دو قرن گذشته اقتصاددانان تاکید فراوانی بر اهمیت تجارت خارجی در رشد اقتصادی داشته‌اند. همچنین، عده‌ای از نظریه پردازان اقتصاد بین الملل مانند بالاسا^۵ (۱۹۷۸)، کوآن و همکاران^۶ (۱۹۹۶) و بادینگر و توندل^۷ (۲۰۰۲) با اعتقاد فوق العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی، از آن به عنوان موتور رشد نام می‌برند (حیدریان، ۱۳۷۹).

در متون اقتصادی در خصوص تأثیر مثبت تجارت خارجی بر نرخ رشد اقتصادی مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. طرفداران استراتژی توسعه صادرات معتقدند که افزایش در صادرات باعث بهبود بهره‌وری و در نهایت به رشد اقتصادی منجر خواهد شد. آزادسازی تجاری از طریق ایجاد تنوع و بهبود کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، ارتقای دانش و تکنولوژی، بهبود اثرات یادگیری ضمن کار و توسعه بازار می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. به طور مثال، یانگ^۸ (۱۹۹۱) در مقاله خود بیان می‌کند که کشورهایی که فعالیت‌های خود را با تکیه بر یادگیری ضمن کار و تجارت انجام می‌دهند، در تولید این محصولات و خدمات تخصص پیدا کرده و با آزادسازی

1- Absolute Advantage

2- Ricardo

3- Theory of Comparative Advantage

4- Solow

5- Balassa

6- Kwan, et al

7- Badinger & Tondl

8-Young

تجاری به دلیل ورود نهاده های واسطه ای کارآمدتر و در پی آن افزایش در بهره وری تولید، به رشد اقتصادی بالاتری دست پیدا خواهند کرد (متوسلی، ۱۳۷۸).

در فرایند رشد، واردات و تجارت بین الملل در کنار یکدیگر بهتر می توانند رشد اقتصادی را بیان کنند. واردات می تواند اقتصاد داخلی را از طریق ایجاد رقابت در هردو زمینه کیفیتی (کالاهای رقیب وارداتی) و قیمتی (تشویق برای کاهش هزینه) کمک نماید. ورود و هدایت نهاده های سرمایه ای و واسطه ای و صنعتی که اغلب در داخل وجود ندارند، تولید کنندگان کارا را در افزایش سهم خود در بازارهای داخلی و خارجی می تواند توانمند سازد، اقتصاد داخلی را به تولید محصولات زیاد تشویق کند، امکان حضوری فعال در عرصه تجارت بین الملل را فراهم آورده و هم چنین زمینه لازم جهت ارتقاء بهره وری عوامل تولید و در نتیجه رسیدن به رشد اقتصادی را فراهم کند (فرهادی کیا، ۱۳۷۸).

پژوهش های زیادی نشان داده اند که تجارت می تواند رابطه بین تورم و فشار مازاد تقاضا را تغییر دهد. ریچ ریسملر (۲۰۰۰)^۱ نیز نشان دادند که قیمت های وارداتی کلید اساسی در تبیین رفتار امروزه تورم است. اما علاوه بر قیمت واردات، به نظر می رسد که حجم صادرات و واردات با تغییر موجودی در دسترس کالاها، تورم را تحت تأثیر قرار می دهد. به باور دکستر و همکاران (۲۰۰۵)^۲ دسترسی بیشتر به کالاهای وارداتی می تواند به طور مستقیم از راه قیمت کالاهای وارداتی که در محاسبه شاخص قیمت وارد می شوند، بر تورم اثر گذارد و به طور غیر مستقیم از راه رقابت قیمتی با کالاها و خدمات داخلی تورم را متأثر سازد. با افزایش واردات، به علت افزایش عرضه ای که صورت می گیرد تورم کالاهای وارداتی بایستی کاهش یابد و در نتیجه فشار قیمت بر کالاهای داخلی نیز کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر، گرچه قیمت بالای کالای وارداتی تورم را افزایش می دهد، حجم بالای واردات منجر به کاهش آن خواهد شد. صادرات نیز بر عرضه و در نتیجه بر قیمت محصولات در دسترس مصرف کنندگان داخلی اثر می گذارد. با افزایش صادرات، عرضه محصولات برای خریداران داخلی کاهش می یابد و این کاهش عرضه سبب افزایش سطح قیمت ها و در نتیجه

1- Rich & Rysmylr

2- Dexter et al

تورم می‌شود بنابراین تجارت بین الملل مانند یک "در باز" عمل می‌کند که با جریان تولیدات به داخل و خارج منجر به کاهش یا افزایش فشار تورم در اقتصاد می‌شود (آلفارو، ۲۰۰۵).

۲-۲- پیشینه

در زمینه‌ی تحقیق حاضر که با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری به بررسی اثرات تجارت بین الملل ایران بر کامیابی اقتصادی ایران می‌پردازد، در داخل کشور به طور مشخص، تحقیق خاصی انجام نگرفته است. در این قسمت، به طور مختصر به پاره‌ای از تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده اشاره می‌شود.

کرباسی و پیری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی رابطه میان آزادی تجاری و رشد اقتصادی در ایران" در یک تحلیل همجمعی رابطه رشد اقتصادی و آزادی تجاری در اقتصاد ایران در چهارچوب الگوی رشد درون‌زا بررسی کردند و رابطه مثبت بین رشد و آزادی تجاری در کوتاه مدت و بلندمدت را نتیجه گرفتند.

اسلامولیان و دیگران (۱۳۸۹) به بررسی اثر باز بودن تجاری بر متغیرهای کلان از جمله رشد اقتصادی و تورم در دوره ۱۳۸۶-۱۳۴۰ در ایران بر اساس روش خودرگرسیون برداری (VAR) پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که در کوتاه مدت افزایش درجه باز بودن تجاری رشد اقتصادی را افزایش داده و تورم را کاهش می‌دهد، اما تاثیر این افزایش در کوتاه مدت بر روی رشد اشتغال منفی است.

آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر متنوع سازی صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای گروه دی هشت)" به این نتیجه رسیدند که کاهش وابستگی به درآمد حاصل از صادرات یک محصول خاص و متنوع سازی صادرات تأثیر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد.

سالم و یوسف پور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی آثار آزاد سازی تجاری در کشورهای در حال توسعه" ضمن تبیین آزادسازی تجاری، منافع و ضررهای آن نیز مورد بحث واقع شده و این طور بیان شده است که در بحث نظر بیشتر بر منافع آزادسازی تأکید شده که به صادرات بیشتر و رشد اقتصادی بالاتر منجر می‌شود. و در نهایت نتیجه گیری شده در صورت هماهنگی با سیاست

داخلی و اصلاح ساختاری و اتحاد و در نهایت نتیجه گیری شده در صورت هماهنگی با سیاست داخلی و اصلاح ساختاری و اتحاد نظام ارزی مناسب همراه با ثبات اقتصادی، آزادسازی موفق و اثربخش است. عزیزاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان " بررسی تأثیر بدهی خارجی بر رشد اقتصادی در ایران " با بررسی تأثیر بدهی خارجی بر رشد اقتصادی ایران نتیجه گرفتند که نتایج متناقض در مورد تأثیر بدهی های خارجی بر رشد اقتصادی کشورها به دلیل وجود رابطه غیر خطی بین این دو متغیر وجود دارد. بادلر^۱ (۲۰۰۳) در مقاله ای تحت عنوان "باز بودن و تورم خروجی تجارت فعال" با استفاده از شیب منحنی فیلیپس^۲، به بررسی اثر بازبودن تجاری بر تورم می پردازد. نتایج وی نشان می دهد که ارتباط بین بازبودن تجاری و تورم در کوتاه مدت برعکس می باشد.

چن و گوپتا^۳ (۲۰۰۶) در مقاله ای تحت عنوان "رابطه تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از مدل داده های تابلویی^۴ در منطقه SADC آفریقا" به بررسی این رابطه بین ۱۳ کشور در حال توسعه جنوب آفریقا پرداختند. نتیجه گویای این است که رابطه سیاسی بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری دارد.

فoster^۵ (۲۰۰۸) در مقاله خود تحت عنوان "تأثیر آزادسازی تجاری بر اقتصاد" به بررسی رابطه بین آزادسازی تجاری و رشد اقتصاد برای ۷۵ کشور در طول دوره زمانی ۲۰۰۳ - ۱۹۶۰ پرداخته است. نتایج نشان می دهند که تفاوت معناداری در اثرگذاری آزادسازی تجاری بر رشد وجود دارد و منفعت کمی از آزادسازی تجاری بر نرخ های رشد تولید ناخالص داخلی سرانه وجود دارد.

آریپ و همکاران^۶ (۲۰۱۰) در مقاله خود تحت عنوان "متنوع سازی صادرات و رشد اقتصادی در مالزی" با استفاده از داده های سالانه ۲۰۰۷-۱۹۸۰ و روش های سری زمانی، هم جمعی و آزمون علیت گرنجر به بررسی رابطه بین متنوع سازی صادرات و رشد اقتصادی در مالزی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که متنوع سازی صادرات اثر معناداری در رشد اقتصادی مالزی دارد.

-
- 1- Bowdler
 - 2- Phillips Curve
 - 3- Chen & Gupta
 - 4- Panel Data
 - 5- Foster
 - 6- Arip et al

نکتومورن کانکسر و ینگ^۱ (۲۰۱۲) در مقاله ای تحت عنوان "رابطه بین تجارت، رشد و توسعه گاز گلخانه ای SO_2 " در بازه زمانی ۲۰۰۷ - ۱۹۹۰ در چین با استفاده از معادلات همزمان و منحنی زیست محیطی کوزنش و آزمون‌های وو - هانسمن و روش حداکثر راستنمایی نشان دادند ۱٪ افزایش در تجارت بین الملل باعث ۶۱٪ افزایش در تولید گازهای گلخانه ای می‌شود.

ازتورک و اکروسی^۲ (۲۰۱۳) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی اثر توسعه مالی با تجارت، رشد اقتصادی و مصرف انرژی بر انتشار CO_2 در دوره ۲۰۰۷ - ۱۹۶۰ در ترکیه با استفاده از هم جمعی" پرداختند نتایج نشان داد در بلند مدت تجارت، رشد اقتصادی و مصرف انرژی باعث افزایش انتشار CO_2 می‌شوند و متغیر توسعه مالی بی معنا است.

زکریا (۲۰۱۴) در مقاله ای تحت عنوان "اثرات آزادسازی تجاری بر صادرات، واردات و تجارت تعادل در پاکستان" به بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر صادرات، واردات و تراز تجارت پاکستان طی دوره ۲۰۰۸ - ۱۹۸۱ پرداخت. براساس نتایج حاصل آزادسازی تجاری منجر به افزایش صادرات و واردات این کشور می‌شود اما میزان افزایش واردات بیش از صادرات بوده و در نهایت منجر به بدتر شدن تراز تجاری این کشور خواهد شد.

آثور (۲۰۱۵)^۳ در مقاله ای تحت عنوان "سرمایه انسانی و اثر پویای تجارت" به بررسی ارتباط میان سرمایه انسانی و تجارت پرداخت. مدل بر اساس کارگرانی ارایه گردید که تصمیم به آموزش گرفته‌اند. آموزش کارگران نوعی سرمایه گذاری محسوب می‌شود. در جهان امروز تفاوت میان کشورها در افزایش مهارت نیروی کار، تکنولوژی و آموزش می‌باشد که می‌تواند در افزایش سطح رفاه کشورها موثر باشد. این دستاوردها سبب افزایش تجارت و ثروتمند شدن کشورها می‌شود. آزاد سازی تجارت در اثر افزایش ورود تکنولوژی، منجر به عرضه نیروی کار ماهر می‌گردد.

1- Kankesu & Yiny

2- Ozturk and Acaravci

3 - Auer

۳- تصریح الگو

در سال های اخیر موضوع رشد اقتصادی مورد توجه و اقبال اقتصاددانان واقع شده است و اقتصاددانانی چون رومر^۱، لوکاس^۲، ربلو^۳، طی مدل های مختلفی نظریه رشد درونزا را ارائه نموده اند. در این نظریه، رشد پایدار به طور درونزا یعنی بدون دخالت پیشرفت فنی و یا هر عامل برونزای دیگر و از طریق بهینه کردن تصمیمات کارگزاران اقتصادی ایجاد می گردد. با درونزا شدن نرخ بلند مدت رشد اقتصادی، امکان بررسی نقش سیاست های اقتصادی مانند سیاست های تجاری، در تعیین نرخ رشد فراهم می شود. اغلب الگوهای رشد، با این فرض که فقط یک کالا وجود دارد و هیچ گونه تجارت خارجی وجود ندارد و با ایجاد جهانی بسیار ساده و همچنین مشاهده اینکه این جهان چگونه رفتاری دارد، شکل گرفت. اما رومر، لوکاس و دیگران از الگوهای رشد درونزا حمایت کردند. در این الگوها برعکس سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی ممکن است دارای بازدهی غیر نزولی باشد و بدین ترتیب، اقتصاد اجازه می یابد که به رشد نامحدود خود ادامه دهد. بنابراین، با وارد شدن سرمایه انسانی و فناوری به عنوان "موتور رشد" به الگوهای رشد، زمینه بررسی نقش دولت، سرمایه، فناوری، آموزش، بهداشت و فرهنگ، تجارت و... در رشد اقتصادی فراهم شد. بنابراین، بهبود معنادار در نظریه های رشد درونزا به وسیله محققانی چون رومر (۱۹۸۲)، روبرت لوکاس (۱۹۸۸)، باعث شد تا قسمتی از نظریه های جدید رشد روی ارتباط بین تجارت و رشد تمرکز یابد. بیشتر الگوهای رشد که در زمینه اقتصاد باز مطرح شده اند خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه به چارچوب الگو نئوکلاسیکی سولو (۱۹۵۶) برمی گردد. در این الگو علت رشد پایا، " توسعه فناوری " ذکر شده، که این توسعه فناوری از طریق تجارت بین الملل، فصلنامه های علمی و روزنامه ها و یا به وسیله مهاجرت دانشمندان و متخصصان فراتر از مرزهای بین المللی به جریان می افتد. این عامل می تواند تمایل بازده نهایی سرمایه به کاهش را جبران نماید و در بلند مدت کشورها دارای رشد سرانه ای برابر با نرخ توسعه فناوری باشند. بنابراین، در الگوی سولو و الگوهای رشد نئوکلاسیکی توسعه فناوری به عنوان "موتور رشد" در نظر گرفته شده است و جالب اینکه برخی از این الگوها، تجارت بین الملل را از طریق توسعه فناوری، "موتور رشد" اقتصادی معرفی کرده اند. بنابراین، در الگوهای ایستا نگاه به بیرون، تخصیص منابع داخلی کشور را در جهت مزیت نسبی

1- Romer

2- Lucas

3- Rebelo

سوق می‌داد، اما در بلند مدت اثر صریحی بر رشد اقتصاد نداشته است. ادبیات اخیر رشد درونزا نشان داده که بازبودن اقتصاد نرخ رشد اقتصاد را از طریق الف) اثر بر فرایند فناوری (ناشی از تجارت غیر کالایی و آثار سرریز دانش) و ب) ارتقای بهره‌وری (ناشی از تجارت کالایی و انباشت سرمایه و اثر آن بر قیمت نسبی و تخصیص مؤثر منابع) متأثر می‌کند (جلالی نائینی، ۱۳۷۵). به طور کلی، امروزه تصور اقتصاد بسته غیرمنطقی و دور از ذهن است. جدا از این واقعیت، برای تجارت بین الملل از یک طرف منافع ایستا و پویای زیادی متصور است که این منافع به طور مستقیم و غیرمستقیم رشد اقتصادی را متأثر می‌کند. باز بودن اقتصاد به عنوان عامل رشد، بسته به مفروضات و نوع تحلیل، از این نظر که تجارت از چه کانالی (نظیر کارایی در تخصیص منابع، صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس، نیروی کار ماهرتر، آثار آموزشی، آثار سرریز و...) رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به الگوهای رشد اضافه شده است (سالواتوره و همکاران، ۱۳۷۵). الگوی مد نظر در این مطالعه، شامل متغیرهایی استاندارد است که در ادبیات کاربردی رشد از آن استفاده می‌شود. در این مطالعه، مطابق با مطالعه ساچ و وارنر (۱۹۹۵)^۱، لگوی رگرسیونی به صورت کلی زیر در نظر گرفته شده است:

$$GDP=F(Z, TRADE) \quad (1)$$

که GDP نرخ رشد تولید (رشد اقتصادی)، Z برداری از متغیرهای توضیحی شامل نیروی انسانی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، دولت، سرمایه مالی، تورم و...، که در این مطالعه متغیر تورم در نظر گرفته می‌شود و TRADE مبین تجارت بین الملل (شامل متغیرهای صادرات و واردات) می‌باشد.

در تشریح اثرات متقابل تورم و درجه باز بودن تجارت اکثراً ۲ دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست بر این اساس استوار است که نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی در هر کشور نه تنها به وسعت آن کشور بستگی دارد بلکه به سیاستهای پولی نهادهای نظارتی آن نیز وابسته است. دیدگاه دیگر بیشتر به ملاحظات بودجه بندی دولتها و نحوه اجرای سیاستهای پولی تکیه دارد. بر اساس این دیدگاهها درجه باز بودن تجارت بر تورم ناشی از عدم تجارت و مزایای مرتبط با هزینه تورم اثرگذار است. به همین جهت اغلب انتظار می‌رود در نظامهای اقتصادی بازتر، انگیزه‌های سیاستگذاران برای گسترش بیشتر نظام اقتصادی پایینتر بوده و نرخ تورم تحت سیاستهای احتیاطی مناسب پایینتر باشد (رومر، ۱۹۹۳)^۲.

1- Sachs et al.

2- Romer

در مقابل، برخی دیگر ادعا می‌کنند باز بودن تجارت لزوماً منجر به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها نمی‌شود، به عنوان مثال اوآنز (۲۰۰۷) تأکید دارد اثرات مثبت آزاد بودن تجارت بر کاهش نرخ تورم اغلب به این دلیل است که نفوذ سیاست‌های پولی در بازارهای بین‌المللی بسیار بالا بوده و این درجه نفوذ منجر به بروز نوسان در تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی برای کالاهای تولید داخلی می‌شود. بر اساس نظریه‌های جدید رشد، باز بودن تجارت از طریق افزایش کارایی در تولید، تخصیص بهتر منابع، استفاده بهتر از ظرفیتها و افزایش جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی موجب کاهش نرخ تورم می‌شود (چین، ۲۰۰۰).^۱

در همین راستا برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که عدم وجود رقابت کامل در بازارهای داخلی و ثبات قیمت‌ها در بخش‌های غیر بازرگانی منجر به بروز رابطه‌ای معکوس بین تورم و درجه باز بودن تجارت خواهد شد (لین، ۱۹۹۷).^۲ اوکان (۱۹۸۱)^۳ نیز بروز نوسان در سطح تولیدات داخلی را موجب وارد شدن شوک بر سطح عمومی قیمت‌ها و در نهایت تسهیل آزاد سازی اقتصادی میدانند. بر اساس مبانی ذکر شده انتظار می‌رود رابطه معناداری بین تورم و باز بودن تجارت برقرار باشد.

جامعه آماری در این تحقیق کشور ایران، در دوره‌ی زمانی، ۱۳۹۵-۱۳۵۰ می‌باشد. داده‌های آماری، بر اساس آمار موجود در آمارنامه‌های بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دوره مورد نظر برای هر یک از متغیرهای مربوطه و همچنین با بررسی مدارک و اسناد به روش کتابخانه‌ای (کتاب‌های مرجع و مقالات) مورد استفاده قرار گرفته است. ابزار گردآوری، فیش برداری از منابع و گزارشات و استفاده از اینترنت و بانک‌های اطلاعاتی و آمارهای منتشره توسط بانک مرکزی است. ابزار اصلی تجزیه و تحلیل اطلاعات، نرم افزارهای رایانه‌ای می‌باشد و تخمین‌های مربوطه به وسیله نرم افزار Jmulti انجام می‌شود. الگوهای اقتصادسنجی مورد استفاده در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته ساختاری^۴ و غیرساختاری^۵ تقسیم می‌شوند. در این پژوهش از الگوهای غیرساختاری سری زمانی (الگوی تصحیح خطای برداری) استفاده می‌گردد.

1- Jin

2- Lane

3- Okan

4- Structural Models

5- Non structural Models

فیلیپس^۱ در مقالاتی که در سال‌های ۱۹۵۷ در مجله اقتصاد منتشر کرد. الگوی تصحیح خطای برداری را برای اولین بار به ادبیات اقتصادی معرفی کرد. این الگو که بعدها توسط دیگران در تحلیل‌های مربوط به مصرف و تقاضای پول مورد استفاده قرار گرفت، جزء الگوهای پویا بشمار می‌رود. البته در سری‌های زمانی کاربردی، انواع گوناگونی از الگوهای پویا وجود دارند. مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطای برداری وجود همجمعی بین متغیرهای اقتصادی است. الگوهای پویای تصحیح خطای برداری امکان تعیین روابط بلندمدت بین متغیرهای درونزا را مهیا می‌سازند. علاوه بر آن، این الگوها رفتار کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ربط می‌دهند و نشان می‌دهند چگونه عدم تعادل مربوط به روابط تعادلی بلندمدت متغیرها بر تغییرات پویای کوتاه‌مدت آنها تأثیر می‌گذارد. این ویژگی‌های منحصر به فرد الگوهای تصحیح خطای برداری که آنها را از سایر الگوهای ساختاری و غیرساختاری اقتصادسنجی متمایز می‌سازد، باعث شده است که این الگوها در دهه ۱۹۹۰ به سرعت رشد تکاملی خود را تجربه کنند (اندرز، ۱۹۹۵).

این تحقیق از نوع کاربردی و روش آن توصیفی (تحلیلی) می‌باشد. معادله ای که به بررسی اثرات بلند مدت صادرات و واردات بر رشد اقتصادی و تورم در ایران مورد استفاده قرار گرفته مبتنی بر الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) است که لوتکپل (۲۰۰۵) این مدل را به شکل زیر معرفی کرده است:

$$\Gamma_1 \Delta y_t = \alpha \beta' y_{t-1} + \Gamma_1 \Delta y_{t-1} + \dots + \Gamma_{p-1} \Delta y_{t-p+1} + B_0 x_t + \dots + B_q x_{t-q} + CD_t + u_t \quad (2)$$

که در آن، y_t بردار متغیرهای درونزا، x_t بردار متغیرهای برونزا، D_t شامل کلیه متغیرهای از پیش تعیین شده مانند جز ثابت، روند خطی و متغیرهای مجازی فصلی است U_t پسماندها که دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند می‌باشند. در این رابطه α ماتریس $k \times 2$ ضریب سرعت تعدیل^۳ است که سرعت تعدیل به سمت تعادل بلند مدت را نشان می‌دهد. یعنی در واقع نشان می‌دهد که چه سهمی از عدم تعادل در دوره قبل در دوره جاری تصحیح می‌شود. β ماتریس $k \times 2$ همجمعی است که نشان دهنده بخش بلند مدت الگو می‌باشد. Γ_j ماتریس $k \times k$ ضرایب کوتاه مدت می‌باشد (لوتکپل ۲۰۰۵).

1- Phillips

2- Enderse

3- Loading Coefficients

تخمین VECM با استفاده از دو روش تحلیل واکنش ضربه و تجزیه واریانس خطای پیش بینی، می‌تواند اثرات سیستمی هر یک از متغیرهای فوق‌الذکر را بررسی کند.

بردار Y_t ، متغیرهای درونزا به صورت زیر نشان می‌دهد:

$$\hat{Y}_t = [GDP \quad CPI \quad X \quad M] \quad (3)$$

که در این رابطه GDP تولید ناخالص داخلی، CPI تورم، X صادرات، M واردات می‌باشد. الگوی

VECM را در قالب ماتریس به شکل کلی زیر می‌توان معرفی کرد:

$$\begin{bmatrix} \Delta GDP_t \\ \Delta CPI_t \\ \Delta X_t \\ \Delta M_t \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \alpha_{11} \\ \alpha_{21} \\ \alpha_{31} \\ \alpha_{41} \end{bmatrix} EC_{t-1} + \sum_{i=1}^p \begin{bmatrix} a_{i,11} & a_{i,12} & a_{i,13} & a_{i,14} \\ a_{i,21} & a_{i,22} & a_{i,23} & a_{i,24} \\ a_{i,31} & a_{i,32} & a_{i,33} & a_{i,34} \\ a_{i,41} & a_{i,42} & a_{i,43} & a_{i,44} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} \Delta GDP_{t-i} \\ \Delta CPI_{t-i} \\ \Delta X_{t-i} \\ \Delta M_{t-i} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} c_{11} & c_{12} & c_{13} & c_{14} \\ c_{21} & c_{22} & c_{23} & c_{24} \\ c_{31} & c_{32} & c_{33} & c_{34} \\ c_{41} & c_{42} & c_{43} & c_{44} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} c \\ s_{1t} \\ s_{2t} \\ s_{3t} \\ s_{4t} \\ t \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \hat{u}_{1t} \\ \hat{u}_{2t} \\ \hat{u}_{3t} \\ \hat{u}_{4t} \end{bmatrix} \quad (4)$$

در این رابطه ماتریس α ، ماتریس همجمعی است که نشان دهنده بخش بلند مدت الگو می‌باشد و ماتریس α_i ، ضرایب کوتاه مدت و u_{it} نیز بردار اجزاء خطای اختلال و C_i ماتریس ضرایب متغیرهای از پیش تعیین شده می‌باشند. در این رابطه شکل تفاضلی متغیرها در قالب الگوی تصحیح خطای برداری، معرفی شده است.^۱

۴- بررسی نتایج تجربی

۴-۱- آزمون ریشه واحد با استفاده از روش دیکی فولر تعمیم یافته

از جمله موضوعاتی که لازم است قبل از برآورد الگو مورد بررسی قرار گیرد، موضوع مانایی سری زمانی متغیرهاست. در این تحقیق برای آزمون مانایی سری زمانی مورد نظر از آزمون ریشه واحد دیکی فولر استفاده می‌شود. اگر قدر مطلق آماره آزمون از قدر مطلق کمیت بحرانی ارائه شده بزرگتر باشد

فرضیه H_0 دال بر وجود ریشه واحد، رد می‌شود.

۱- تمام متغیرها بصورت لگاریتمی در نظر گرفته شده‌اند. در الگوی تصحیح خطای برداری جهت تعیین روابط بلند مدت بین متغیرها، ترتیب متغیرها از اهمیت بالایی برخوردار است.

جدول (۱) آزمون ریشه واحد با استفاده از روش دیکی فولر

متغیرها	احتمال	آماره آزمون
log (GDP)	۰,۳۶	-۲,۶۶
log(CPI)	۰,۲۰	-۱,۱۲
log (IX)	۰,۳۳	-۲,۴۶
log (IM)	۰,۳۵	-۲,۶۷
$\Delta \log$ (GDP)	۰,۰۰	-۴,۶۷**
$\Delta \log$ (CPI)	۰,۰۰	-۴,۳۱*
$\Delta \log$ (IX)	۰,۰۰	-۵,۴۱***
$\Delta \log$ (IM)	۰,۰۰	-۶,۵۸***

میزان آماره آزمون در سطوح بحرانی بر اساس مطالعه دیویدسون و مکینون (۱۹۹۳)^۱

جزء ثابت و روند خطی ۱٪: (-۳/۹۶)؛ ۵٪: (-۳/۴۱)؛ ۱۰٪: (-۳/۱۳)

همان گونه که از نتایج جدول بالا مشخص است، تمام متغیرها، در سطح معناداری ۹۵٪ نامانا می‌باشند ولی با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شوند و بدین ترتیب یکی از شروط مهم برآورد الگوی تصحیح خطای برداری فراهم شده است.

۴-۲- آزمون همجمعی

برای بررسی همجمعی بین متغیرها، آزمون‌های مختلفی وجود دارد که در این تحقیق از آزمون یوهانسون (۱۹۹۵)^۲ استفاده شد. در صورتی که همجمعی بین متغیرها تعیین گردد می‌توان گفت که رابطه تعادلی و بلند مدت بین متغیرهای مورد نظر برقرار است. با انجام این آزمون و محاسبه آزمون نسبت راستنمایی LR^۳ و نیز مقایسه آن با مقادیر بحرانی جدول در سطوح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ همجمعی و رابطه تعادلی بین متغیرهای الگو اثبات می‌شود. در این آزمون بر اساس نتایج جدول (

1- Davidson & MacKinnon

2- Johansen Test

3- Likelihood Ratio Testing

۲) مشاهده می شود در سطح معنا داری ۹۵٪، ۲ و ۹۹٪، ۱ رابطه بلند مدت وجود دارد. نتایج این آزمون در تخمین الگوی VECM مورد نیاز می باشد.

جدول (۲) آزمون همجمعی

فرضیه صفر	LR	آماره p	٪۹۰	٪۹۵	٪۹۹
$r = 0$	۸۴٫۸۴	۰٫۰۰۰۲	*۶۰٫۰۰	*۶۳٫۶۶	*۷۰٫۹۱
$r \leq 1$	۴۴٫۲۲	۰٫۰۳۵۰	*۳۹٫۷۳	*۴۲٫۷۷	۴۸٫۸۷
$r \leq 2$	۱۸٫۳۶	۰٫۳۲۶۹	۲۳٫۳۲	۲۵٫۷۳	۳۰٫۶۷
$r \leq 3$	۳٫۱۳	۰٫۸۵۰۸	۱۰٫۶۸	۱۲٫۴۵	۱۶٫۲۲

* نشان دهنده بردارهای همجمعی در هر سطح معناداریست.

۴-۳- تعیین وقفه بهینه

تعیین وقفه بهینه از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین منظور از معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، معیار شوارتز (SC) و معیار حنان کوئین (HQC) و خطای پیش بینی نهایی (FPE) استفاده می شود. وقفه های بهینه با توجه به این معیارها ۲ و ۰ مشخص شده است که این وقفه ها در جدول (۳) قابل مشاهده می باشند.

جدول (۳) تعداد وقفه های بهینه

معیار	تعداد وقفه های بهینه
AIC	۲
FPE	۲
SC	۲
HQC	۰

۴-۴- آزمون های تشخیصی

به منظور ارزیابی و بررسی وقفه بهینه جهت تخمین الگوهای مورد نظر، از آزمون پورتمن و آزمون بروش گادفری برای تشخیص خودهمبستگی، آزمون ژارکو- برا، برای تشخیص غیر نرمال بودن و

آزمون ARCH-LM چند متغیره برای تشخیص واریانس ناهمسانی اجزاء باقیمانده خطا استفاده نموده که نتایج این آزمون‌ها در جدول (۴) قابل مشاهده می‌باشند.

جدول (۴) آزمون‌های تشخیصی

آزمون	Q	LM _t	LB _t	MARCH _{LM} (۲)
وقفه‌ها	۰	۲	۰	۲
آماره تخمینی	۲۴۱,۵۹	۱۸۷,۲۶	۱۰۴,۴۷	۷۷,۱۶
آماره p	۰,۴۹	۰,۹۴	۰,۰۳	۰,۵۶

فرضیه صفر تنها وقتی رد می‌شود که آماره p کوچکتر از ۰,۱ یا ۰,۰۵ باشد. (لوتکیل، ۲۰۰۵: ۴۷)

Q_t: آزمون پورتمن برای تشخیص خودهمبستگی LM_t: آزمون بروش - گادفری برای تشخیص خودهمبستگی

LB_t: آزمون ژارکو - براه برای تشخیص نرمال بودن (q) MARCH_{LM}: آزمون ARCH-LM چندمتغیره برای تشخیص واریانس ناهمسانی اجزاء باقیمانده خطا.

با توجه به نتایج جدول شماره (۴) می‌توان دید که آزمون‌های تشخیصی، وقفه ۲ را به عنوان وقفه بهینه جهت تخمین الگوهای مورد نظر مشخص می‌کنند که دلالت بر عدم وجود خود همبستگی و واریانس ناهمسانی اجزاء باقیمانده خطا و نرمال بودن اجزای باقیمانده خطا دارد.

۴-۵- آزمون ثبات چاو

برای انجام آزمون چاو دوره نمونه را به دو یا چند قسمت تقسیم می‌کنیم و از آنجا که دوره مورد مطالعه در این تحقیق دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۰ می‌باشد پس از تقسیم نمونه به دو قسمت با توجه به حجم نمونه سال ۱۳۷۳ بنا بر انتخاب نرم افزار انجام گرفت. این آزمون فرضیه صفر، ثبات پارامترها را در سطح معنی داری ۱ درصد مورد آزمون قرار می‌دهد. بنابر این با بررسی آماره p نتایج نشان می‌دهند که چون این آماره از ۰,۰۵ بیشتر می‌باشد نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را رد کرد و در نتیجه شکست ساختاری وجود نداشته است و ضرایب با ثبات هستند.

جدول (۵) آزمون چاو

نقطه شکست آزمون	۱۳۷۳
p-value	۰,۲۲

۴-۶- تحلیل واکنش ضربه (IRF)

شکل‌های زیر واکنش تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و تورم را نسبت به شوک در صادرات و واردات با استفاده از روش هال (۱۹۹۲)^۱ در سطح معناداری ۹۹٪، با تعداد انعکاس بوتسترپ^۲ ۱۰۰ (تعداد ارتعاشات وارد شده به شوک در هر الگو)، در کوتاه مدت (۱ تا ۵ سال)، میان مدت (۵ تا ۱۲ سال) و بلند مدت (بیشتر از ۱۲ سال) را نشان می‌دهند.

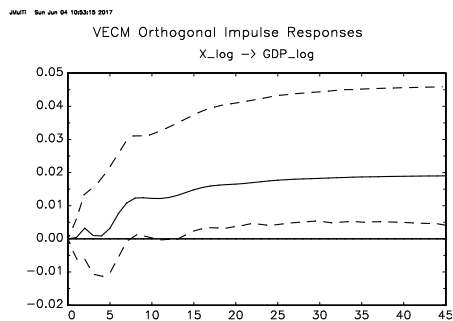
نتایج شکل‌ها نشان می‌دهند که شوک مثبت صادرات (افزایش صادرات) در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت اثر مثبت معنادار بر تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) دارد. رشد صادرات با ایجاد تقاضای اضافی می‌تواند تقاضای کل را افزایش دهد و موجب استفاده از ظرفیت‌های بالقوه واحدهای اقتصادی توسط تولیدکنندگان گردد. افزایش صادرات، تولیدکنندگان داخلی را ترغیب می‌کند که در جهت رقابت‌پذیری، به کارگیری فناوری‌های پیشرفته، افزایش بهره‌وری، نوآوری و ارتقای کیفیت تولیدات خود تلاش بیشتری نمایند و با جذب نیروهای انسانی کارآمد و متخصص در تولید موجب افزایش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن رشد اقتصادی گردد. هم‌چنین می‌توان گفت که همانطور که صادرات منجر به ایجاد تقاضای اضافی و در نهایت افزایش تقاضای کل می‌شود و این افزایش در تقاضای کل نهایتاً بصورت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم دیده خواهد شد. به عبارتی دیگر با افزایش صادرات، عرضه محصولات برای خریداران داخلی کاهش می‌یابد و این کاهش عرضه سبب افزایش سطح قیمت‌ها و در نتیجه تورم می‌شود.

شوک مثبت واردات (افزایش واردات) در کوتاه مدت اثر مثبت معنادار و در میان مدت و بلند مدت اثر منفی معنادار بر تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) دارد و این شوک در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تأثیر منفی معنادار بر سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) دارد. واردات کالا و خدمات

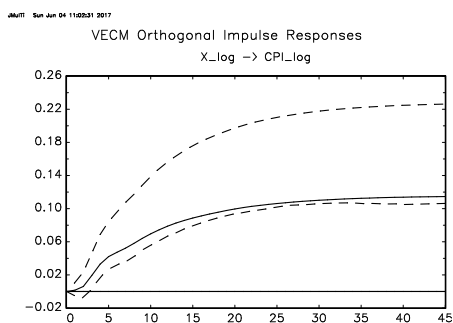
1- Hall

2- Number of Bootstrap Replications

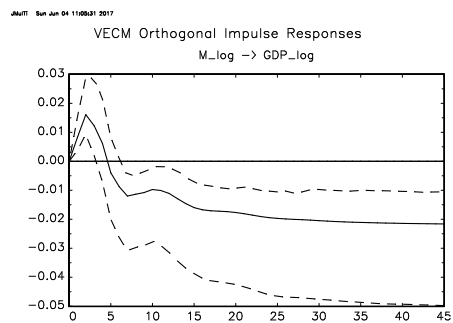
دارای اثرات مثبت و منفی در اقتصاد می‌باشد. اثرات مثبت واردات شامل: ۱- مواد اولیه و کالاهای موردنیاز بخش تولید را تامین کند. ۲- فضای رقابتی میان تولیدات داخلی و کالاهای خارجی با هدف افزایش کیفیت و کارایی تولید و کاهش قیمت تمام شده و افزایش بهره‌وری ایجاد کند. ۳- همچنین از منابع محدود کشور به واسطه جلوگیری از ناکارایی در تولید به صورت بهینه حراست کند. ۴- در نهایت بخشی از تکنولوژی تولید کالا را وارد کند. در نتیجه واردات کالا و خدمات فی‌الذمه امری نامطلوب قلمداد نمی‌شود. واردات کالا و خدمات علاوه بر اثرات مثبت بر بخش تولید، ممکن است اثرات مخربی را بر این بخش، تحمیل کند که اثرات مخرب شامل: ۱- ورود کالا به صورت غیررسمی و قاچاق با توجه به عدم پرداخت حقوق دولت، عدم تعلق نرخ تعرفه و ورود با قیمت پایین‌تر از قیمت رقابتی، عدم امکان نظارت بر استانداردهای ضروری و اثر نامطلوب بر بهداشت و سلامت و فرهنگ جامعه و ایجاد درآمدهای نامشروع و غیرقانونی. ۲- ورود کالاهای غیراستاندارد و فاقد ضوابط فنی که به بخش تولید مصرف ضربه می‌زند. ۳- ورود کالا به صورت غیرمنصفانه با استفاده از ابزارهایی مانند دامپینگ (قیمت‌شکنی) به قصد لطمه به تولید داخلی ۴- واردات کالای مشابه تولید داخلی مربوط به تولیدکنندگان نوپایی که در زمان شکل‌گیری نیاز به حمایت در زمان بندی مشخص دارند و در بلند مدت خواهند توانست نیاز داخلی را تامین کنند. ۵- ورود محصولات کشاورزی که موجب لطمه به تولید داخلی می‌شوند با توجه به اهمیت تامین امنیت غذایی جامعه. پس می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر واردات ایران در سال‌های اخیر شامل کالاهای قاچاق، کالاهای غیر استاندارد و کالاهای کشاورزی بوده و بطور کلی کالاهایی بوده است که تولیدکننده داخلی توان تولید آنرا داشته است و این امر در نهایت منجر به کاهش تولید و رشد اقتصادی و تخریب و تضعیف تولید داخلی شده است. از آنجایی که واردات منجر به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در بلند مدت شده است می‌توان گفت که: با افزایش واردات، به علت افزایش عرضه ای که صورت می‌گیرد تورم کالاهای وارداتی بایستی کاهش یابد و در نتیجه فشار قیمت بر کالاهای داخلی نیز کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر، گرچه قیمت بالای کالای وارداتی تورم را افزایش می‌دهد، حجم بالای واردات منجر به کاهش آن خواهد شد.



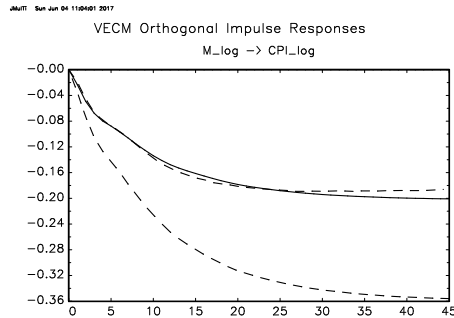
نمودار شماره ۱- تحلیل واکنش ضربه GDP نسبت به شوک در EX



نمودار شماره ۲- تحلیل واکنش ضربه CPI نسبت به شوک در EX



نمودار شماره ۳- تحلیل واکنش ضربه GDP نسبت به شوک در IM



نمودار شماره ۴- تحلیل واکنش ضربه CPI نسبت به شوک در IM

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر صادرات و واردات (تجارت بین الملل) بر رشد اقتصادی و تورم ایران است. در این تحقیق ابتدا برای بررسی ارتباط بلند مدت بین متغیرها، مانایی و نامانایی سری زمانی متغیرها مورد آزمون قرار گرفت. بدین منظور از آزمون دیکی فولر استفاده و مشخص شد که تمام متغیرها با استفاده از آزمون ذکر شده در تفاضل مرتبه اول مانا هستند. در ادامه وجود یا عدم وجود رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیرها بررسی شد و بدین منظور از آزمون یوهانسن بهره گرفته شد که نتایج حاکی از این است که در سطح معنا داری ۹۵٪، ۲ و ۹۹٪، ۱ رابطه بلند مدت وجود دارد. سپس آزمون‌های تشخیصی ارائه شد که مطابق با این آزمون‌ها وقفه ۲ به عنوان وقفه بهینه جهت تخمین مشخص شد. در ادامه به بررسی الگو و برآوردهای اولیه پرداخته و همچنین روابط بلند مدت ارائه شد. به منظور بررسی ثبات ضرایب تخمینی، از آزمون ثبات چاو استفاده و نتایج مشخص کردند که با توجه به مقادیر آماره D ، فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد و ضرایب تخمینی با ثبات می‌باشند. نتایج تحلیل واکنش ضربه نشان می‌دهد در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت شوک مثبت صادرات (افزایش صادرات) باعث افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. هم چنین شوک مثبت واردات (افزایش واردات) منجر به کاهش رشد اقتصادی در بلند مدت و میان مدت و افزایش رشد اقتصادی در کوتاه مدت می‌شود. شوک مثبت صادرات در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت منجر به افزایش تورم می‌شود. هم چنین شوک مثبت واردات در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت منجر به کاهش تورم می‌شود. از آنجایی که صادرات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی و تورم در ایران دارد و صادرات جزئی از اجزای تقاضای کل

در هر کشوری محسوب می‌شود بنابراین این پیشنهاد می‌گردد که ایران برای افزایش رشد اقتصادی، درآمد ملی و ارزآوری روی مدیریت افزایش حجم صادرات متمرکز شود و در جهت کنترل تورم در کنار سیاست‌های طرف تقاضا که شامل افزایش صادرات می‌باشد، سیاست‌های طرف عرضه را نیز مدیریت و اجرا کند تا از طریق آن بتواند از تورم ناشی از فشار تقاضا و صادرات جلوگیری کند. با توجه به تاثیر واردات بر رشد اقتصادی و تورم در ایران، پیشنهاد می‌گردد دولت ابزارهای مدیریتی زیر را به کار برد:

- ۱- وضع نرخ تعرفه بهینه ۲- اتخاذ سیاست‌های ضد دامپینگ و وضع عوارض ویژه ضد بازاریابی برای این کالاها ۳- استفاده از ابزارهای قانونی و سیاست‌های مناسب برای مبارزه موثر با قاچاق کالا ۴- استفاده از ظرفیت‌های تنظیمی قانون حمایت از مصرف کنندگان ۵- اعمال محدودیت‌های ویژه برای ورود کالاهای فاقد استاندارد با افزایش پوشش کالاهای استاندارد اجباری و ضوابط فنی که ورود آنها منوط به اخذ گواهی از موسسه استاندارد است. ۶- اعمال محدودیت‌های قانونی برای ورود برخی کالاها با استفاده از تقسیم‌بندی (کالاهای مجاز، مجاز مشروط و ممنوع) ۷- امکان استفاده از مقررات تنظیمی براساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای جلوگیری از ورود کالاهایی که موجب اغفال خریدار و مصرف کننده می‌شود و نظایر آن و در نهایت ۸- امکان اعمال محدودیت‌های تعرفه‌یی و غیرتعرفه‌یی برای واردات کالاهای کشاورزی براساس قانون. از آنجایی که طبق این مطالعه واردات در بلند مدت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی و سطح عمومی قیمت‌ها دارد، پیشنهاد می‌گردد که دولت در جهت تقویت هر چه بیشتر رشد اقتصادی با استفاده از واردات، بیشتر روی واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد خام مورد نیاز واحدهای تولیدی متمرکز شود تا از این طریق بتواند رشد اقتصادی را قوت بخشد. همچنین تولید کالاهای استراتژیک و ضروری به‌خصوص در بخش‌های کشاورزی مرتبط با امنیت غذایی یا بخش‌های نظامی مرتبط با امنیت دفاعی کشور همواره باید مورد حمایت قرار گیرند. حمایت از تولید کنندگان نوپا نیز ضروری است. حمایت از صنایع دانش‌بنیان زیرا تولید این‌گونه کالا متضمن توسعه علم و دانش و فناوری در کشور است و می‌تواند بسیاری از صنایع قدیمی را از بن‌بست تکنولوژیکی خارج کند.

منابع و ماخذ

- آذربایجان کریم، راکی مولود، رنجبر همایون، ۱۳۹۰، "تأثیر متنوع سازی صادرات بر بهره وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای گروه دی هشت)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۱، شماره ۳، صص ۲۰۱-۱۶۵.
- اسلاملوئیان کریم، شفیع سروسنایی مریم، جعفری محبوبه، ۱۳۸۹، بررسی اثر بازبودن تجاری بر متغیرهای کلان در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران (۴۳): ۲۱-۱.
- تفضلی فریدون، ۱۳۷۸، اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران: نشر نی.
- جلالی نائینی احمد رضا، ۱۳۷۵، صادرات و رشد اقتصادی، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۱
- حیدریان حامد، سقائیان نژاد حمید، ۱۳۷۹، "تعیین رابطه علی بین صادرات و رشد اقتصادی با استفاده از الگوهای VAR به روش رگرسیون به ظاهر غیر مرتبط تکراری (SUR) در ایران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره پانزدهم، شماره ۲.
- روز بهان محمود، ۱۳۸۵، تئوری اقتصاد کلان، تهران: انتشارات مولف.
- سالم بهنام، یوسف پور نفیسه، ۱۳۹۱، "بررسی آثار آزاد سازی تجاری در کشورهای در حال توسعه" فصلنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۱۰۴-۹۳.
- سالواتوره و دیگران، ۱۳۷۵، گات و نظریه های جدید تجارت بین الملل، ترجمه احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- علیزاده محمد، گلخندان ابوالقاسم، محمدیان منصور صاحب، ۱۳۹۴، "تأثیر آستانه ای بدهیهای خارجی بر رشد اقتصادی ایران: الگوی رگرسیون انتقال ملایم (STR)"، فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره ۲: ۲۴-۱.
- فراهی کیا علی، ۱۳۸۷، "تجزیه و تحلیل رابطه تعادلی و بلند مدت بین واردات سرمایه ای-واسطه ای و صادرات غیر نفتی (۱۳۷۶-۱۳۴۰)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- کرباسی علیرضا، مهدی پیری، ۱۳۸۸، "بررسی رابطه میان آزادی تجاری و رشد اقتصادی در ایران"، مجله دانش و توسعه، ۱۶(۲۷): ۱۶۰-۱۴۵.
- گرگی الهام، علیپوریان مهدی، ۱۳۸۵، "اثر آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"، پژوهشنامه بازرگانی، ۴۰.

- متوسلی مهدی، ۱۳۷۸، "بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی بر اساس آزمون علی گرنجر"، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۲.
- محمدنیارضا، ۱۳۸۴، "اثر تجارت خارجی (صادرات و واردات به تفکیک کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی) بر رشد اقتصادی ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۸)، دانش پژوهان، شماره ۷.
- وارث حامد، محمدی شاپور، پروندی یحیی، ۱۳۹۱، "تاثیر رقابت پذیری جهانی (GCI) بر کامیابی اقتصادی کشورها: ارائه مدلی برای ارتقای رقابت پذیری ملی ایران"، فصلنامه علوم مدیریت.
- Arip M, Affendy Y, Lau S, Abdul, 2010, "Export Diversification and Economic Growth in Malaysia", University Malaysia Sarawak (UNIMAS), MPRA Paper No 20588, posted 09.
- Alfaro L, 2005, "Inflation, Openness and Exchange Rate Regimes. The Quest for Short Term Commitment", Journal of Development Economics, No 77, pp. 229-249.
- Arrow KJ, 1962, "The economic implications of learning by doing, Review of Economic Studies": 155-173.
- Badinger H, Tondl G, 2002, "Trade, Human Capital and Innovation", IEF Working Paper, No 42.
- Balassa B, 1978, "Export and economic growth: further evidence", Journal of Development Economics: 181-189.
- Bowdler C, 2003, "Openness and the Output-Inflation Tradeoff": Working Paper, Nuffield College (University of Oxford): 1-23.
- Chen G, Rangan N, 2006, "An Investigation of Openness and Economic Growth Using Panel Estimation, University of Pretoria.
- Davidson R, MacKinnon J, 1993, Estimation and inference in econometrics, Oxford, University Press, New York, NY. Greene, W. H.
- Dexter A, Levi M, Nault B, 2005, "International Trade and the Connection between Excess Demand and Inflation", Review of International Economics, 13(4): 699-708.
- Enders W, 1995, Applied econometric time series, John Wiley & Sons, In USA.
- Foster N, 2008, "The Impact of Trade liberalization on Economic Growth: Evidence from a Quantile Regression Analysis", Kyklos, Vol 61, No 4, 543-567.
- Jin, J, 2000, Openness and Growth: an Interpretation of Empirical Evidence from East Asian Countries. Journal of International Trade and Economic Development, Vol. 9, PP. 5-17.
- Johansen S, 1995, Likelihood-based inference in cointegrated vector autoregressive models. Oxford University Press, Oxford.
- Kwan A, Cotsomitis J, 1996, "Economic growth and exogeneity: Taiwan 1953-1988", The American Economist, 28(4): 467-471(5).
- Lane, P, 1997, Inflation in Open Economies. Journal of International Economics, Vol. 42, PP. 327-347.
- Lutkepohl H, 2005, New introduction to multiple time series analysis, Springer-Verlag, Berlin.

- Lucas, 1988, "On the Mechanics of Economic Development", J. of Monetary Economics, No 22
- Nthakumaran K, Ying L, 2012, "Openness and the Environmental Kuznets Curve: evidence from China", Economic Modeling, 29(3), 566-576.
- Okun, A., 1981, Prices and Quantities: a Macroeconomic Analysis. The Brooking Institution, Washington, D.C.
- Ozturk I, Acaravci A, 2013, "The Long- Run and Causal Analysis of Energy, Growth, Openness and Financial Development on Carbon Emissions in Turkey", Journal of Energy Economics, 36, pp 262-267.
- Philips H, 1957, "Impulse response analysis of cointegrated systems", Journal of Economics Dynamics and Control 16, No 1, 53-78.
- Raphael A, 2015, "Human capital and the dynamic effects of trade ", Journal of Development Economics, Volume 117, P 107-118
- Rebello, 1991, "Long - Run Policy Analysis and Long - Run Growth", J. of Political Economy, No 99.
- Ricardo D, 1969, Principles of political and taxation Reprinted Dutton, New York.
- Rich R, Rissmiller D, 2000, "Understanding the Recent Behavior of U.S. Inflation, Current Issues in Economics and Finance", Federal Reserve Bank of New York.
- Romer P, 1987, "Growth Based on Increasing Returns to Specialisation.", Journal of Political Economy, No. 94.
- Sachs J, Andrew W, 1995, "Economic Reform and The Process of global integration", Brooking in Economic Activity.
- Solow RM, 1956, "A contribution to the theory of economic growth" Quarterly Journal of Economics: 65-94.
- Solow RM, 1957, "Technical change and the aggregate production function", Review of Economics and Statistics, 39: 312-320.
- Young A, 1991, "Learning by Doing and Dynamic Effects of International Trade", Quarterly Journal of Economics, No 106, p 369-405.
- Zakaria M, 2014, "Effects of Trade Liberalization on Exports, Imports and Trade Balance in Pakistan: A Time Series Analysis", Prague Economic Papers, 1, 121-139.

The study of the long run effects of international trade on economic success variables in Iran

Fatemeh Sabet¹, Naghma Honarvar², Ali Rezaei³

Abstract

Economic growth and inflation control are among the goals pursued by any economy. In today's world, decision-making power and role-playing in global trading are countries that have a lot to say in the economy. If the policymakers' goal is to develop and encourage trade, in order to achieve this goal, it must control the growth of the international presence and the inflation by strengthening the foundations of the country's production. This study examines the long run effects of international trade on Iran's economic success variables during the period 1350-1395 using Vector Error Correction Model (VECM). The results of Johansson's co-integration test showed that there is a long run equilibrium relationship between variables.. The results of the IRF indicated that the positive shock of exports in the short, medium and long run had a significant positive effect on economic growth and inflation. The positive shock of imports in the short run has a significant positive effect, and in the medium and long run, there is a significant negative effect on economic growth, and this shock has a significant negative effect on inflation in the short, medium and long run.

Keywords: Import, Export, Economic Growth, Inflation, Vector Error Correction Model (VECM).

JEL classification: A10, C33

1- Graduate Student of International Business Management, Islamic Azad University, Abadeh Branch, efarda.bs@gmail.com

2- Teacher and Instructor of Islamic Azad University, Abadeh Branch (Corresponding author) naghme_honarvar@yahoo.com, nhonarvar@iauabadeh.ac.ir

3 - Director of the Department and Assistant Professor of International Business Management at Islamic Azad University, Abadeh Branch Email: Ali.rezaei@iauabadeh.ac.ir